



مجموعه مقالات ستاد طرح تدوین نظام ترویج

بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی

● قسمت پنجم و پایانی

● اشاره

مقاله‌ای که به دنبال خواهد آمد، تلخیص شده از پروژه ۳، طرح ۱، از مجموعه گزارشهای مطالعاتی ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران می‌باشد که تهیه و تدوین آن توسط آقای دکتر علیرضا محسنی تبریزی، در سال ۱۳۷۲ انجام گرفته است. با استفاده از گزارش نهایی این پروژه مطالعاتی، سلسله مقالاتی در شماره‌های قبلی ماهنامه جهاد به چاپ رسید که در آنها عمدتاً به زیربنای نظری مبحث مشارکت و ویژگیهای شوراهای اسلامی در مناطق روستایی پرداخته شد. در قسمت پنجم و پایانی این مقاله، به نتایج و یافته‌های حاصل از تحقیقات میدانی این پژوهش پرداخته شده است. تلخیص این مجموعه مقالات که با بهره‌گیری از گزارش نهایی پروژه فوق صورت گرفته است، توسط آقای مهندس محمدهادی امیرانی به رشته تحریر درآمده و در اختیار ماهنامه جهاد قرار گرفته است. امید است مورد توجه و عنایت عموم صاحبزنان و دانش پژوهان قرار گیرد.

جامعه مورد مطالعه از سوی دیگر، در مطالعه حاضر کوشش شده است تا فرضیه‌های تحقیق در دو گروه مجزا و مستقل، به شرح زیر قرار گیرند:

گروه اول، به فرضیه‌هایی اختصاص دارد که در آنها وجوه و ابعاد مختلف شوراهای اسلامی با توجه به کارکردهای آن در جامعه روستایی، نقش شوراها در جلب مشارکت روستاییان، میزان موفقیت شوراها در نیل به اهداف از پیش تعیین شده و ... مورد مشاهده و آزمون تجربی قرار گرفته است.

گروه دوم، به فرضیه‌هایی اختصاص دارد که در آنها وجوه و ابعاد مختلف مشارکت

فرضیه‌های تحقیق در مطالعات علوم اجتماعی و رفتاری عبارت‌اند از: تجربه‌های شخص محقق، تئوریه‌ها و نظریه‌های مرتبط با موضوع و تحقیقات و مطالعات پیشین.

در تنظیم فرضیه‌های پژوهش حاضر، در باب وجوه و ابعاد مختلف مشارکت و عوامل مؤثر بر آن - در شوراهای اسلامی - سعی گردید تا از هر سه منبع فوق به صورت منفرد و یا تلفیقی استفاده شود.

با عنایت به گستردگی عوامل مؤثر بر رفتار مشارکت جوانان از یک سو و ویژگیهای ساختار اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی و نیز تنوع

فرضیه‌های تحقیق و نتایج حاصل از آزمون آنها

فرضیه، یک ابزار قدرتمند در هر پژوهش و بررسی علمی است که محقق را قادر می‌سازد تا پلی بین تئوری و مشاهده زده و این دو را به هم مرتبط سازد. از این رو به کارگیری فرضیه‌ها در تحقیقات تجربی نه تنها به اتحاد و یگانگی تجربه و برهان می‌انجامد، بلکه ابزار و اسباب مؤثری را جهت شناخت علمی حقایق فراروی محقق قرار می‌دهد.

منابع اخذ فرضیه در مطالعات تجربی، متعدد و متنوع است. با این وجود، سه منبع عمده اخذ

روستاییان، عوامل مؤثر بر مشارکت، نحوه همکاری روستاییان با شوراهای اسلامی، ارزیابی روستاییان از عملکرد شوراهای و ... بررسی و آزمون شده است.

در شرحی که به دنبال خواهد آمد، ضمن بیان فرضیه‌های تحقیق، نتایج حاصل از آنها ذکر شده است:

الف - فرضیه‌های گروه اول

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین کسب اطلاع و آگاهی شورا از نیازها و مشکلات مردم روستا و میزان مشارکت مردم در شورا رابطه وجود دارد. یعنی هرچه شورا از مردم راجع به نیازها و مشکلاتشان بیشتر بی‌رسد، میزان مشارکت مردم با شوراها در سطح بالاتری خواهد بود.

آزمون این فرضیه مبنای ارتباط معنی‌دار بین آگاهی شورا از نیازها و مشکلات مردم و مشارکت بالای مردم با شوراهاست. به عبارت دیگر، هر چه شورا نیازها و مشکلات مردم را بیشتر مورد پرسش قرار دهد، مردم به میزان بیشتری با شوراها همکاری و مشارکت می‌کنند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین کسب اطلاع و آگاهی شورا از نیازها و مشکلات مردم روستا و میزان مراجعه مردم به شورا رابطه وجود دارد.

آزمون تجربی این فرضیه نشانگر ارتباط معنی‌دار بین آگاهی شورا از نیازها و مشکلات مردم و مراجعه بالای مردم به شوراهای اسلامی است. به بیان دیگر، هر چه شوراهای، نیازها و مشکلات مردم را بیشتر مورد پرسش قرار دهند، مردم مراجعه بیشتری به شورا خواهند داشت.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین ارتباط شورا با برخی از سازمانهای فعال در روستا نظیر؛ مراکز خدمات، جهاد سازندگی و ... و میزان موفقیت شورا در استفاده از منابع و امکانات روستا رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه ارتباط شورا با سازمانهای فعال در روستا بیشتر باشد، میزان موفقیت شورا در استفاده از منابع و امکانات دولتی و محلی بیشتر است.

نتیجه آزمون این فرضیه مبنای ارتباط معنی‌دار بین موفقیت شورا در استفاده از منابع و امکانات

دولتی و محلی و تماس و ارتباط بیشتر با برخی از سازمانهای فعال در روستا است.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد هرچه مردم از اهداف، برنامه‌ها و وظایف شوراهای اسلامی بیشتر مطلع و آگاه باشند، بیشتر خواهان درگیر شدن با مسائل روستا و مشارکت در شورا هستند.

نتیجه به دست آمده از آزمون این فرضیه، بیانگر وجود ارتباط معنی‌دار بین آگاهی مردم از هدفها، برنامه‌ها و وظایف شوراهای اسلامی و تمایل آنها به درگیر شدن در امور روستا و مشارکت با شوراهای اسلامی است.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین شرکت در جلسات آموزشی جهادسازندگی و موفقیت و کارایی اعضای شوراهای در اداره امور روستا و شوراها رابطه وجود دارد.

نتیجه آزمون این فرضیه نشاندهنده ارتباط گویای آماری بین شرکت در دوره‌های آموزشی و موفقیت در اداره شورا با کارایی بالای مدیریتی است.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد هرچه شوراهای، روحیه کارگروهی و دسته جمعی را در نزد روستاییان بیشتر توسعه دهند، مردم بیشتر خواهان درگیر شدن در امور روستا و مشارکت با شورا هستند.

نتیجه آزمون این فرضیه، نشانگر ارتباط معنی‌دار بین ترویج و اشاعه کارگروهی و دسته جمعی در میان روستاییان و افزایش درگیری مردم روستا در امور جامعه روستایی و مشارکت بیشتر با شوراهاست.

فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد هرچه شوراهای در مورد برنامه‌ها و طرحهای خود، از مردم روستا بیشتر نظرخواهی کنند، مردم بیشتر خواهان درگیری در امور روستا و مشارکت با شورا می‌شوند.

نتیجه حاصل از آزمون تجربی فرضیه فوق، بیانگر ارتباط گویای آماری بین نظرخواهی شورا از مردم در باره برنامه‌ها و طرحهای شوراهای و افزایش درگیری مردم در امور روستا و مشارکت با شوراهاست.

فرضیه هشتم: به نظر می‌رسد چنانچه

شوراهای، مردم را بیشتر از تصمیمهای خود مطلع و آگاه نمایند، مشارکت مردم با شوراهای بیشتر می‌شود.

نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که بین دو عامل فوق، رابطه معنی‌داری وجود دارد و افزایش آگاهی مردم از تصمیمهای شوراهای اسلامی، افزایش مشارکت آنها را به دنبال خواهد داشت.

فرضیه نهم: به نظر می‌رسد میان افزایش آگاهی مردم از تصمیمهای شوراهای با درگیر شدن آنها در مسائل روستایی رابطه وجود دارد.

نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه نیز، بیانگر ارتباط معنی‌دار بین اطلاع از تصمیمهای اتخاذ شده در شوراهای و افزایش مشارکت مردم در مسائل و امور روستاهاست.

فرضیه دهم: به نظر می‌رسد وجود رهبری آزادمنشانه در شوراهای بیش از رهبری فردسالاری موجب مراجعه مردم به شورا، مشارکت مردم با شورا و درگیر شدن مردم در مسائل روستا می‌شود.

به اعتبار نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه فوق، می‌توان این گونه استدلال نمود که رابطه معنی‌دار بین شیوه رهبری دموکراتیک و افزایش مراجعه مردم به شورا و مشارکت بیشتر با شورا و درگیر شدن بیشتر مردم با مسائل روستایی وجود دارد.

فرضیه یازدهم: به نظر می‌رسد در آن دسته از شوراهای اسلامی که بر مبنای آزادمنشی اداره می‌شوند، بیش از شوراهایی که مبتنی بر شیوه مدیریت خودکامه اداره می‌شوند، مردم را به بحث و گفتگوی منظم دعوت می‌شوند و از تصمیمهای شورا مطلع می‌گردند.

بر مبنای نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه فوق، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که بین شیوه مدیریت مبتنی بر دموکراسی و افزایش گفتمانهای مردمی و اطلاع از تصمیمهای شوراهای رابطه معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه دوازدهم: به نظر می‌رسد در شوراهای اسلامی مبتنی بر رهبری آزادمنشانه، بیش از شوراهای مبتنی بر رهبری خودکامه، مردم جهت شرکت در جلسات دعوت شده و در مورد

طرحها و برنامه‌های شورا، بیشتر از مردم نظرخواهی می‌شود.

نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه نیز، مؤید رابطه معنی‌دار بین شیوه رهبری دموکراتیک و افزایش دعوت مردم جهت شرکت در جلسه‌ها و نظرخواهی بیشتر از آنها در مورد برنامه‌های شوراهاست.

فرضیه سیزدهم: به نظر می‌رسد در شوراهای اسلامی مبتنی بر شیوه مدیریت دموکراتیک، بیش از شوراهای اسلامی مبتنی بر مدیریت خودکامه، تصمیم‌های اتخاذ شده بر مبنای رأی اکثریت می‌باشد.

آزمون فرضیه فوق نشانگر ارتباط معنی‌دار میان شیوه مدیریت و شیوه تصمیم‌گیری بر مبنای رأی اکثریت است.

فرضیه چهاردهم: به نظر می‌رسد در شوراهایی که شیوه رهبری، مبتنی بر شیوه آزادمنشی است، میزان رضایت اعضا از کار خود در شورا بیش از شوراهایی است که دارای شیوه مدیریتی خودکامه هستند.

نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه، مؤید وجود رابطه معنی‌دار بین شیوه مدیریت و میزان رضایت اعضا از کار خود در شوراهای اسلامی است.

فرضیه پانزدهم: این فرضیه که، میزان آگاهی اعضای شوراهای اسلامی از نقش و وظایف خود در شوراهای مبتنی بر شیوه مدیریت آزادمنشانه، به نسبت بیش از شوراهایی مبتنی بر مدیریت خودکامه است، توسط اطلاعات به دست آمده از این آزمون این فرضیه تأیید شده است.

فرضیه شانزدهم: این فرضیه که، اعضای شوراهای مبتنی بر شیوه مدیریت آزادمنشانه، به نسبت بیش از اعضای شوراهای مبتنی بر مدیریت خودکامه، برای خود کارایی قائل شده‌اند، توسط اطلاعات به دست آمده از آزمون این فرضیه، تأیید شده است.

فرضیه هفدهم: این فرضیه که، شیوه رهبری دموکراتیک به نسبت بیش از شیوه رهبری خودکامه به موفقیت شوراها در جلب مشارکت مردم و تأثیرگذاری بر برنامه‌های توسعه و عمران

روستا کمک می‌کند، توسط اطلاعات حاصل از آزمون تجربی این فرضیه ثابت می‌شود.

فرضیه هجدهم: نتایج به دست آمده از آزمون این فرضیه بیانگر این امر است که، رابطه معنی‌دار بین رهبری مبتنی بر اصل وظیفه‌گرایی، تدبیر، رضایت اعضا از کار خود در شورا و آگاهی آنان از نقش و وظایف خویش در شورا وجود دارد.

ب - فرضیه‌های گروه دوم

گروه دوم فرضیه‌ها، اختصاص به فرضیه‌هایی دارد که در آنها جوه و ابعاد مختلف مشارکت روستاییان، عوامل مؤثر بر مشارکت، نحوه همکاری روستاییان با شوراهای اسلامی، ارزیابی روستاییان از عملکرد شوراها و ... مورد بررسی و آزمون واقع شده‌اند.

با توجه به آزمون این گروه از فرضیه‌ها، نتایج زیر به دست آمده است:

۱- رابطه معنی‌داری بین میل به کار گروهی و مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه (سرپرستان خانوارهای روستایی) وجود دارد. یعنی هرچه میل به کار گروهی در روستاییان بیشتر شود، میزان تمایل آنان به مشارکت اجتماعی بالاتر می‌شود.

۲- رابطه معنی‌داری بین میزان آگاهی روستاییان از سازمانهای مشارکتی فعال در روستا و میزان مشارکت اجتماعی آنها وجود دارد. یعنی هرچه میزان آگاهی روستاییان از سازمانهای مشارکتی روستا بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آنها بیشتر خواهد بود.

۳- رابطه معنی‌داری بین انگیزه پذیرش نوآوری در روستاییان و مشارکت اجتماعی آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه روستاییان قابلیت نوپذیری بالایی داشته باشند، میزان مشارکت جویی آنها بیشتر خواهد بود.

۴- میان انگیزه پیشرفت در روستاییان و مشارکت اجتماعی آنها رابطه معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش تمایل روستاییان به پیشرفت، میزان مشارکت اجتماعی آنان افزایش خواهد یافت.

۵- بین میزان رضایت روستاییان از شرکت در برنامه‌های عام‌المنفعه و عمرانی روستا و مشارکت اجتماعی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی با افزایش میزان رضایت روستاییان از شرکت در چنین برنامه‌هایی، مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

۶- بین اجابت نظر روستاییان در اجرای طرحها و برنامه‌های عمرانی و میزان مشارکت اجتماعی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه روستاییان احساس کنند که نظراتشان در اجرای برنامه‌ها بیشتر منظور می‌شود، تمایل آنان به مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد.

۷- میزان مشارکت اجتماعی روستاییان با توجه به گروههای سنی، متغیر است و سهم گروه سنی ۶۴-۶۵ سال بیش از گروههای سنی دیگر است.

۸- بین مشارکت اجتماعی روستاییان و وضعیت تأهل در جامعه مورد بررسی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

۹- با افزایش انگیزه پیشرفت، نوپذیری و میل به کار گروهی در میان روستاییان، آگاهی آنها از سازمانهای مشارکتی در سطح روستاها افزایش می‌یابد.

۱۰- با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی و فرهنگی روستاییان، از میزان مشارکت اجتماعی آنها کاسته می‌شود.

۱۱- بین بیگانگی فرهنگی - اجتماعی روستاییان و آگاهی آنان از سازمانهای مشارکتی روستا، رابطه معکوسی وجود دارد.

۱۲- بین میزان بیگانگی اجتماعی - فرهنگی روستاییان و تمایل آنان به کار گروهی رابطه معکوسی وجود دارد.

۱۳- بین میزان بیگانگی اجتماعی - فرهنگی روستاییان و میزان سرنوشت‌گرایی آنان رابطه مستقیمی وجود دارد.

۱۴- بین هر یک از متغیرهای انگیزه پیشرفت و انگیزه نوپذیری، با بیگانگی فرهنگی - اجتماعی روستاییان رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی با افزایش میزان بیگانگی فرهنگی - اجتماعی در روستاییان، انگیزه پیشرفت و

نویزیری در آنان کاهش می‌یابد.

در این قسمت از مقاله به جهت تبعیت از روش «اختصار نویسی»، از مباحث گسترده‌ای که در گزارش نهایی پروژه آمده است، صرف‌نظر شده و صرفاً در شرحی که به دنبال خواهد آمد، به یافته‌های تحقیق - بخصوص در ارتباط با اهداف و فرضیه‌های مطرح شده - پرداخته می‌شود.

۱ - از مجموع شوراهای اسلامی مورد پرسش در این تحقیق، ۹۶/۴ درصد، حداکثر تا سه دوره تشکیل شده‌اند. شوراهایی که فقط یک بار تشکیل شده‌اند، بیشترین فراوانی (۳۹ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند.

۲ - حدود ۹۱ درصد شوراهای اسلامی، حداکثر ۶ نفر عضو و بقیه بین ۴ تا ۶ نفر عضو داشته‌اند.

۳ - بیش از ۷۷ درصد از شوراهای اسلامی، توسط جهادسازندگی تشکیل یافته‌اند. وزارت کشور (بخشداریها) و هیئتهای هفت‌نفره نیز در تشکیل شوراهای مشارکت نموده‌اند و حدود ۳/۲ درصد نیز بصورت خودجوش پا گرفته‌اند.

۴ - نزدیک به ۲۳ درصد شوراهای اسلامی روستاها پس از تشکیل متحل شده‌اند که در ۸۶/۷ درصد موارد، علت انحلال برای پاسخگویان روشن نبوده است که این می‌تواند در روند مشارکت اجتماعی آنها تأثیر بگذارد.

۵ - روستاییان به دلایل مختلف، مشارکت چشمگیری در انتخابات اعضای شوراهای نداشته‌اند. بیش از ۵۷ درصد از شوراهای کمتر از ۵۰ درصد جمعیت واجد شرایط رأی دادن را به پای صندوقها کشانده‌اند.

۶ - نوعی جوان‌گرایی در گزینش اعضای شوراهای سواد سلاطین مشاهده می‌شود. بیشترین فراوانی گروههای سنی اعضای شوراهای، بین ۳۳ تا ۳۷ سال بوده است.

۷ - حدود ۳۳ درصد از اعضای شوراهای بی‌سواد اعلام شده‌اند و ۳۰ درصد فقط در حد خواندن و نوشتن سواد داشته‌اند.

۸ - اکثر اعضای شوراهای اسلامی روستایی، از اقشار کم درآمد جامعه روستایی هستند. گروه

درآمدی ۴۵ تا ۶۵ هزار تومان در سال با ۱۶/۸ درصد بیشترین فراوانی را داشته است.

۹ - گرچه شغل ۵۰ درصد اعضای شوراهای وابسته به امور کشاورزی بوده است، در عین حال بالا بودن میزان ترکیب گروههای شغلی دیگر، مبین وضعیت جدیدی در شرایط اشتغال و فعالیت روستاییان است.

۱۰ - اکثر شوراهای فقط با یک رئیس (بدون نایب رئیس و منشی‌ها) اداره شده‌اند. در واقع اغلب شوراهای بدون توجه به آئین‌نامه تشکیل شده‌اند.

۱۱ - تنها ۱/۸ درصد اعضای شوراهای مجرد بوده‌اند و اغلب آنها (۸۹/۸ درصد) متولد همان روستایی هستند که عضو شورای آن می‌باشند.

۱۲ - اکثر اعضا کمتر از ۵ ساعت در هفته وقت خود را در شورا گذرانده‌اند.

۱۳ - تشخیص نیازمندیهای روستاییان (حدود ۸۹ درصد موارد) به عنوان عمده‌ترین فعالیتهای شوراهای عنوان شده است.

۱۴ - بیش از ۹۷ درصد اعضای شوراهای روستایی مورد پرسش، ارتباط بین شوراهای سازمانهای فعال در سطح روستاها را تأیید کرده‌اند.

۱۵ - گرچه اعضای شوراهای مسائل روستایی را به صورت ترکیبی دیده‌اند، لیکن مشکلات عمرانی، بیش از سایر مسائل مورد توجه بوده است. بیش از ۹۲ درصد از اعضای شوراهای اعتقاد داشته‌اند برای حل مشکلات، اقدام شده است. حدود ۵۷/۵ درصد، موفقیت شوراهای را در حل مسائل کشاورزی دانسته‌اند.

۱۶ - حدود ۸۰ درصد از اعضای شوراهای معتقد بوده‌اند که همیشه یا اغلب اوقات از مردم راجع به امور و مسائل عام روستا نظرخواهی شده است و ۸۶ درصد آنان اعتقاد داشته‌اند که این امور پی‌گیری هم شده‌اند. اما فقط ۳ درصد گفته‌اند که امور مورد مشورت و پی‌گیری به نتیجه رسیده‌اند.

۱۷ - حدود ۹۶ درصد از اعضای شوراهای گفته‌اند که اختلافات محلی در همه مواقع یا در اغلب مواقع توسط آنان حل و فصل شده است.

۱۸ - حدود ۸۸/۷ درصد از اعضای شوراهای گفته‌اند که جلسات مشترکی با مردم داشته‌اند، لیکن زمان و فاصله بین این جلسات مهم بوده است.

۱۹ - اعضای شوراهای میزان مراجعه و مشارکت مردم را در امور مربوط به شوراهای سطح بالایی ارزیابی کرده‌اند و به‌طور عمده این مشارکت را در امور اجرایی توسعه و عمران روستا دانسته‌اند.

۲۰ - بنا به اظهار حدود ۸۸ درصد از پاسخگویان، مردم از هدفها، برنامه‌ها و وظایف شورا «مطلع» یا «کاملاً مطلع» هستند و ۳۵ درصد از آنها بر این باورند که شوراهای روحیه کار جمعی را تا حدود زیادی در بین مردم روستایی بالا برده‌اند.

۲۱ - می‌توان گفت شوراهای در اجرای اموری چون: توسعه ورزش و تفریحات سالم با ۷۰ درصد، نصب صندوق پیشنهادات با ۹۳/۹ درصد، نصب تابلوی اعلانات با ۹۰/۳ درصد و یکپارچه کردن اراضی با ۵۴/۳ درصد موفقیت نسبی داشته‌اند.

۲۲ - مردم با شوراهای در امور «عمرانی - خدماتی» و «آموزشی - فرهنگی» بیش از طرحهای دیگر اعلام مشارکت داشته‌اند.

۲۳ - مدیریت مبتنی بر فردسالاری، تنها توسط حدود ۸ درصد از شوراهای مورد تأیید قرار گرفته است و حدود ۹۰ درصد، مدیریت مبتنی بر آزادمنشی را پذیرفته‌اند.

۲۴ - بیش از ۵۷ درصد از اعضای شوراهای هم نسبت خویشاوندی دارند.

۲۵ - حدود ۷۴ درصد از اعضای شوراهای توسط دیگران نامزد شده‌اند و تنها حدود ۱۶/۲ درصد شخصاً اعلام نامزدی کرده‌اند.

۲۶ - حدود ۴۵ درصد از اعضای شوراهای خود را «کاملاً» آشنا به اهداف شورا می‌دانسته‌اند و تنها ۳۴ درصد اعلام کرده‌اند که نقش و وظایف خود را کم و بیش می‌دانند.

۲۷ - تعداد کمی (حدود ۵ درصد) از اعضای شوراهای در قبال کار خود حقوق دریافت می‌دارند و بقیه، وظیفه خود را داوطلبانه انجام می‌دهند.

اما تنها ۵۴ درصد گفته‌اند این عدم پرداخت در کاهش انگیزه خدمت تأثیری ندارد.

۲۸ - اعضای شوراهای، عمده‌ترین مشکل شوراهای را «فقدان حمایت از قانون» (حدود ۲۵ درصد)، گرفتاریهای شغلی و فقدان دستمزد در قبال کار در شورا (۸/۳ درصد) ذکر کرده‌اند.

۲۹ - بیش از ۷۷ درصد از اعضای شوراهای اعلام کرده‌اند که در کلاسهای توجیهی جهادسازندگی شرکت کرده‌اند و ۸۷ درصد آنها این‌گونه کلاسها را بسیار خوب تا خوب ارزیابی کرده‌اند.

۳۰ - حدود ۶۵ درصد از اعضای شوراهای گفته‌اند که آراء اکثریت، شرط اخذ تصمیمات بوده است و بقیه به نوعی تردید داشته‌اند.

۳۱ - در مجموع می‌توان قضاوت کرد که اعضای شوراهای در جلب مشارکت مردم و ملاحظه در امور عمومی آنان خود را موفق ارزیابی نموده‌اند.

۳۲ - حدود ۸/۷ درصد اعضای شوراهای، از وجود مراکز خدمات روستایی اظهار بی‌اطلاعی و بی‌خبری کرده‌اند.

۳۳ - در نظرسنجی از روستاییان، تنها حدود ۵۵ درصد از آنان گفته‌اند که قبل از شروع طرح یا برنامه‌ای در روستا نظر آنها را جویا شده‌اند.

۳۴ - فقط ۷/۵ درصد از روستاییان اعلام کرده‌اند که در کارهای عام‌المنفعه و عمرانی، مشارکت نداشته‌اند و بقیه به نوعی خود را در مشارکت سهم دانسته‌اند.

۳۵ - اغلب روستاییان میل دارند در انجام کارها به جای مشارکت مالی (پرداخت پول) مشارکت فیزیکی (انجام کار) داشته باشند.

۳۶ - بیش از ۷۲ درصد از روستاییان «تا حد زیادی» از مشارکت خود اعلام رضایت کرده‌اند.

۳۷ - حدود ۷۵ درصد از پاسخگویان روستایی در امر مشارکت، منافع خود و دیگران را مدنظر داشته‌اند و فقط ۹/۴ درصد فقط به منافع خود می‌اندیشیده‌اند.

۳۸ - اغلب روستاییان بر این باورند که باید از تولیدات خود سهم بیشتری به امور عمرانی روستا اختصاص دهند و فقط ۹ درصد به پس‌انداز



می‌اندیشیده‌اند. ۴۵ - نزدیک به ۶۰ درصد از سرپرستان

خانوارهای روستایی، نسبت به ادامه روش زندگی پدرانشان «غیرموافق» بوده‌اند و در این میان نزدیک به ۵۰ درصد از آنان به روشنی اعلام مخالفت کرده‌اند.

۴۶ - تنها در ۲/۴ درصد موارد، روستاییان مورد مطالعه برای مداوای بیماران، ابتدا به دعانویس (یعنی درمان سنتی) مراجعه کرده‌اند.

۴۷ - در مورد کشت محصولات زراعی و باغی، ۸۷/۸ درصد افراد، محصولات جدید و سودآور را به کشت محصولات سنتی ترجیح داده‌اند.

۴۸ - در مورد تغییر شغل ۳۸ درصد از افراد مورد پرسش، در صورت پیدا شدن شغلی در شهر، حاضر بوده‌اند که شغل فعلی خود را تغییر دهند.

۴۹ - پذیرش پزشکی به جای دعانویس و پذیرش اصلاح نژاد در کشاورزی و دامپروری، به جای تغییر شغل یا محل اقامت بیشتر مورد توجه بوده است. شاید علت، در تفاوت میزان تأثیر پذیرش آنها بوده است.

۵۰ - گرچه روستاییان در مورد تغییر مشاغل خود نسبتاً محافظه‌کار بوده‌اند، اما در مورد مشاغل فرزندانشان چنین برخورد محافظه‌کارانه‌ای وجود نداشته است. فقط ۱۳

۳۹ - حدود ۷۳ درصد از روستاییان مورد

پرسش، شیوه زندگی دهقانی و کشاورزی را بر هر شیوه دیگر زندگی ترجیح داده‌اند.

۴۰ - اکثریت روستاییان (۹۰ درصد) در رفع گرفتاریهای خود به نوعی از جمع و دیگران استمداد جستجو کرده‌اند و بر این باور بوده‌اند که در گرفتاریهای دیگران متقابلاً آماده کمک هستند

۴۱ - در عین حال که مایه‌های کم‌اعتمادی در روستاییان وجود دارد، اما کار جمعی را مفیدتر از کار فردی ارزیابی کرده‌اند.

۴۲ - روستاییان -لااقل در مورد برخی از-سازمانهای مشارکتی، اطلاع کافی ندارند و همین امر در پایین بودن میزان مشارکت آنها مؤثر است.

۴۳ - مشارکت روستاییان در انتخابات شوراهای، بیش از مشارکتهای دیگر بیان شده است. بیشترین مشارکتهای روستاییان بصورت سنتی و در امور عمرانی، خیریه، عزا و عروسی می‌باشد. در عین حال ۳۶ درصد از روستاییان به کاهش این‌گونه مشارکتهای اشاره داشته‌اند.

۴۴ - نیمی از مردم روستایی بر این باورند که ابزار کار جدید موجب تضعیف مشارکتهای سنتی شده است.

درصد از آنان ترجیح داده‌اند که پسران ارشدشان شغل سنتی کشاورزی را پی بگیرند.

۵۱- تمایل به مهاجرت و رفتن به شهر در پاسخگویان، بالا بوده است، منتهی انجام آن را بیشتر از خود، برای فرزندان شان طالب بوده‌اند. در واقع نوعی آمال ترقی‌جویانه و پیشرفت خواهی در برداشتهای پاسخگویان نهفته است که تحقق این آرزوها را برای فرزندان شان بیشتر از خودشان واقع‌بینانه می‌دانند.

۵۲- این بررسی نشان داده است که تنها ۱/۸ درصد از سرپرستهای خانوارهای روستایی با تحصیل دختران و ۱/۶ درصد با تحصیل پسران مخالفت ورزیده‌اند. جالب اینکه موافقت با تحصیل دختران بیشتر از موافقت با تحصیل پسران بوده است.

۵۳- چنانچه روستاییان را بصورت تاریخی و متعارف، سرنوشت‌گرا بدانیم، بررسی انجام شده حاکی از تحول در دیدگاه آنها است؛ اما هرگاه بطور مستقیم در معرض پرسش قرار گرفته‌اند، با درصد و قطعیت بیشتری نشان داده‌اند که سرنوشت‌گرا هستند ولی در پاسخ سئوالات غیرمستقیم، به نحو چشمگیری از آن عدول نموده‌اند.

۵۴- گرچه ۶۰ درصد روستاییان مورد پرسش، ارزش کار را در این چند روزه عمر، مثبت ارزیابی نموده‌اند ولی حدود ۳۸ درصد، عکس این باور را داشته‌اند. باور اخیر، چه از حالت قناعت‌پیشگی و درویشی روستاییان سرچشمه گرفته باشد و چه یأس از آینده منشاء آن باشد، نمود خوبی برای ترویج و توسعه به حساب نمی‌آید.

۵۵- روستاییان مورد پرسش این تحقیق، اغلب به تمربخش بودن کار گروهی و مفید بودن آن از حیث درآمد، بهبود روابط بین افراد و آموزش، باور و تأکید داشته‌اند.

۵۶- گسترده‌ترین مشارکت سیاسی-اجتماعی روستاییان در امر انتخابات، کمکهای مالی و جنسی به نیازمندان و شرکت در نمازجمعه بوده است.

۵۷- با وجود تماس و مشارکت نسبتاً وسیع روستاییان در انتخاب اعضای شوراهای اسلامی،

میزان آگاهی آنان از اهداف و وظایف این نهاد، نسبتاً پایین بوده است (حدود ۱۸ و ۲۰ درصد) ۵۸- بین آرا و نظرات اعضای شوراهای اسلامی و سرپرستان خانوارهای روستایی در پاره‌ای از موارد اختلافها و تناقضهایی وجود دارد. مثلاً در حالی که اعضای شوراها در بیشتر زمینه‌های مربوط به کشاورزی، خود را موفق می‌دانسته‌اند، روستاییان در این زمینه آنها را چندان فعال نمی‌دانسته‌اند.

۵۹- رایجترین شیوه رهبری، در شوراهای اسلامی از نظر اعضای شوراها، شیوه رهبری دموکراتیک عنوان شده است (۸۹/۳ درصد). در مقابل، ۷/۹ درصد از اعضا شیوه رهبری در شوراها را مبتنی بر فردسالاری عنوان نموده‌اند.

۶۰- انگیزه نوپذیری در ۷۰/۵ درصد جامعه مورد مطالعه براساس مقیاس سنجش تمایل به نوپذیری نسبتاً بالا، در ۲۷ درصد کاملاً بالا، در ۲ درصد تا حدودی بالا و در ۰/۴ درصد هیچ یا بسیار کم، گزارش شده است.

۶۱- براساس مقیاس سنجش انگیزه پیشرفت، بالغ بر ۸۲ درصد روستاییان مورد مطالعه دارای انگیزه پیشرفت نسبتاً زیاد، ۱۰ درصد کاملاً زیاد، ۷ درصد کم و ۰/۵ درصد بسیار کم بوده‌اند.

۶۲- بالغ بر ۷۳ درصد از خانوارهای روستایی مورد مطالعه، از مشارکت در روستا کاملاً آگاه هستند. قریب به ۲۴ درصد، تا حدودی از چنین سازمانهایی آگاهی دارند و تنها ۲/۸ درصد اظهار بی‌اطلاعی از وجود سازمانهای مشارکتی در روستا نموده‌اند. لازم به ذکر است که در بین سازمانهای خدماتی و مشارکتی موجود در سطح روستاها، روستاییان روابط گسترده‌تری برای رفع نیازهای خود با جهادسازندگی داشته‌اند.

۶۳- نتایج حاصله از اعمال مقیاس اسرول (Srole) جهت سنجش میزان بیگانگی اجتماعی- فرهنگی در جامعه روستایی مورد بررسی، نشانگر آن بوده است که در ۶۳/۸ درصد جامعه مورد نظر، میزان بیگانگی فرهنگی- اجتماعی "تا حدودی"، در ۲۵/۵ درصد "نسبتاً زیاد"، در ۸ درصد "بسیار کم" و در ۲/۲ درصد نیز "کاملاً زیاد" بوده است.

خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر، بخشی از طرح مطالعاتی گسترده‌تری با عنوان "بررسی ساختار اجتماعی اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نظام آموزش و ترویج کشاورزی ایران به حساب می‌آید. چنین طرح جامعی متضمن این هدف غایی و اساسی بود که با بررسی ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با نظام آموزش ترویج کشاورزی ایران، به شناختی علمی در باب جامعه روستایی ایران، بویژه ساختار آن نایل آید تا از این طریق بتوان فعالیتها و برنامه‌های آموزش ترویج را به گونه‌ای طراحی و سازماندهی نمود تا به دگرگونیهای مطلوب در فکر، اندیشه، رفتار و کردار روستاییان دست پیدا کرد. این هدف کلی، شامل چندین هدف خاص بود و آنچه که این پژوهش به عنوان پروژه‌ای از آن طرح، بر آن تأکید داشت، شناخت زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با نظام آموزش ترویج بوده است.

کانون توجه این پروژه که به بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان پرداخته است، موارد ذیل را در این راستا مدنظر داشت:

- ۱- بررسی ابعاد مختلف مشارکت روستاییان در توسعه کشاورزی
- ۲- شناخت زمینه‌های مشارکتی خودجوش در جامعه روستایی و عشایری ایران
- ۳- شناخت تنوع و انواع مشارکت در زمینه‌های کشاورزی سنتی
- ۴- بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی موثر در ایجاد زمینه‌های مشارکت سنتی
- ۵- مطالعه تأثیر زمینه‌های سنتی در پذیرش نوآوریهای کشاورزی
- ۶- بررسی چگونگی بهره‌برداری از زمینه‌های مشارکتی سنتی به منظور اشاعه الگوهای آموزش ترویج
- ۷- شناخت انواع سطوح مشارکت نظیر همیاری، همکاری، تعاونی و ... در جامعه روستایی و عشایری ایران و بهره‌گیری از آن در طرح الگوی توسعه کشاورزی

۸- مطالعه و شناخت نهادهای مشارکت رسمی و

غیررسمی در مناطق روستایی

۹- بررسی مسائل، مشکلات و محدودیتهای ناشی

از زمینه‌های مشارکت رسمی

۱۰- بررسی چگونگی استفاده از زمینه‌های

مشارکت به منظور تسهیل ترویج کشاورزی ایران

به واسطه ویژگی موضوع مورد مطالعه و تعدد

و تنوع عوامل، پدیده‌ها و متغیرهای مرتبط با

مشارکت، از روشهای مختلفی که در مطالعات

تجربی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی به

طور مرسوم مورد استفاده قرار می‌گیرد بهره‌گیری

شد. در این پژوهش از روشهای اسنادی

(Documentary)، مشاهده مشارکتی

(Participant Observation)، روش بررسی

میدانی (Field Method) و نیز روش پیمایشی

(Survey) به طور همزمان و توأم استفاده شده

است. در این تحقیق، تعداد ۵۰۶ شورای اسلامی

روستایی و ۱۹۵۱ خانوار روستایی به عنوان نمونه

آماری انتخاب شدند و برای جمع‌آوری اطلاعات،

از پرسشنامه (کتابی و حضوری)، مصاحبه آزاد و

منظم، مشاهده مستقیم، رجوع به اطلاعات ثانویه

(Secondary Data) و اطلاعات موجود

(Existing Data) به زبانهای فارسی و انگلیسی

استفاده شده است.

در تحقیقات میدانی، پرسشنامه‌ها پس از یک

آزمون مقدماتی، تکمیل شدند و سپس از

منداوترین ابزار و فنون آماری موجود (بسته نرم

افزار رایانه‌ای SPSS) برای تنظیم و تحلیل

یافته‌ها بهره‌گیری شد. در آزمون فرضیات به طور

عمده از آزمون کای اسکوار (Chi-Square) یا

کای دو (X²) استفاده شد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق در

بخشهای قبلی این مقاله ذکر شد و لذا در این

قسمت به پیشنهادها پرداخته می‌شود:

۱- مشارکت "سنگ پایه" توسعه و عمران

روستایی است که برای جلب چنین مشارکتی

نخست باید به مردم اجازه داده شود تا در تعیین

اهداف برنامه‌های مربوط به خود مداخله و

مشارکت نمایند و آن‌گاه مورد حمایت قرار گیرند



تا قادر باشند فعالیتهای خودیارانه را سازماندهی کنند.

"با مردم بودن" به جای "برای مردم بودن" باید به عنوان یک اصل معتبر در کشور ما پذیرفته شود.

۲- تمامی جوامع انسانی دارای تجارب تاریخی از مشارکت و همیاری در امور فردی و اجتماعی هستند. بسیاری از شیوه‌های مشارکت، همیاری و تعاون مردمی، از حیث سازماندهی و نحوه اجرا، در روند گذار از جامعه ریشه‌دار سنتی به جامعه متحول و تغییرپذیر صنعتی، دچار اخلال شده‌اند. شناخت همه جانبه، دقیق و علمی این گونه از رفتارهای اجتماعی و بازسازی و نوسازی آنها، می‌تواند میراث پراچری برای آموزش، ترویج و مشارکتهای مردمی باشد. این امر همچنین به پررنگ کردن ویژگیهای ملی در ابعاد توسعه اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد.

۳- بر اساس یافته‌های میدانی این تحقیق که بسیاری از فرضیه‌ها، آن را به اثبات رسانید، پیشنهادهایی برای برقراری ارتباط متقابل بین شوراها و روستاییان قابل عرضه می‌باشد. این پیشنهادها عبارت‌اند از:

- شوراها برای جلب مشارکت بیشتر مردم، باید هرچه بیشتر بر شناخت نیازهای واقعی مردم تأکید ورزند. به عبارت دیگر اگر واحدهای خدمت دهنده جامعه روستایی، نیازها و مشکلات مردم را درست نشناسند، در جلب مشارکت آنان کامیاب نخواهند بود.

- باید با آگاهی و سازماندهی بیشتر، امکان ارتباط، هماهنگی و همکاری هر چه بیشتر میان دستگاههای اجرایی در سطح روستا با مردم روستایی را فراهم ساخت. تردیدی نیست که مدیریت واحد و هماهنگ برای جامعه روستایی، کارآمدتر و مفیدتر از خواهد بود.

- مردم روستایی باید هر چه بیشتر از راههای مختلف، از اهداف، برنامه‌ها، حدود، وظایف، مسئولیتهای ... شوراها و نهادهای اجرایی و خدمات رسانی در سطح روستاها آگاه شوند. این امر بستر لازم برای جلب مشارکت هر چه بیشتر آنها را فراهم خواهد آورد.

- برای نقش پذیری و مشارکت فعال اعضای شوراهای اسلامی روستایی، باید در زمینه برگزاری دوره‌های آموزشی متناسب در این زمینه برای روستاییان همت گماشت.

انتخاب شیوه رهبری در شوراهای روستایی، باید مطابق اصول دموکراسی و آزادمنشی باشد. خدشه دار کردن این اصول به هر بهانه‌ای، موجب کم شدن نقش مشارکت مردم روستایی در امر شوراها می‌شود.

شوراهای روستایی باید با تقویت روحیه کارگروهی در میان روستاییان، در مورد طرحها و برنامه‌های خود از مردم نظرخواهی نموده و بستر لازم برای درگیر شدن هر چه بیشتر مردم روستایی در امور عمومی روستاها را فراهم سازند.

۴- براساس یافته‌های نظرسنجی از روستاییان در این پژوهش، پیشنهادها و توصیه‌های زیر قابل طرح می‌باشند:

نظر به اینکه رابطه مستقیمی بین "میل به کارگروهی" و "مشارکت اجتماعی" در روستاییان وجود دارد؛ لذا باید مشارکتها به طور عمده از طریق تمجید و بسیج مردم به کارگروهی، سازماندهی شود.

آموزش و آگاهی دادن به مردم روستایی در مورد سازمانهای مشارکتی، گام اول و بنیادی در تجهیز و بسیج مردم به مشارکت است.

در این پژوهش، رابطه بین انگیزه نوآوری و انگیزه پیشرفت از یک طرف و مشارکت اجتماعی از طرف دیگر به اثبات رسیده است. لذا ضرورت دارد تا در سطح روستا ابتدا فواید نوآوری ترویج و اشاعه داده شود و سپس روند مشارکت سازماندهی شود.

در جلب مشارکت مردم باید به طور اصولی به مسئله "رضایتمندی" آنان در نوع مشارکتی که می‌کنند توجه جدی شود. چنانچه شرکت در امری برای مردم رضایتبخش نباشد، میزان مشارکت اجتماعی آنان پایین خواهد آمد.

در جلب مشارکتهای اجتماعی، باید به افسار، سنین و جنسیت و دیگر تفاوتها و گوناگونیها توجه کافی مبذول داشت. به عنوان مثال، با افزایش سن و افزایش میزان تحصیلات بر میزان مشارکت افزوده می‌شود.

یکی از عوامل بسیار منفی در جلب مشارکت مردم روستاها، بیگانگی

اجتماعی - فرهنگی آنها است. این عامل باعث می‌شود تا روستاییان از سازمانهای مشارکتی، بی‌اطلاع و دور بمانند، میل به کارگروهی در آنان کم شود و بر میزان "سرنوشت‌گرایی" آنها افزوده شود و در نهایت انگیزه پیشرفت و قدرت نوآوری در آنان کاهش یابد. بنابراین باید به گونه‌ای آگاهانه و با برنامه‌هایی سنجیده، بیگانگی اجتماعی - فرهنگی در بین روستاییان هدف‌گیری شود. آموزش ترویج یکی از ابزار مهم، مفید و مؤثر برای این منظور است.

۵- با توجه به ترکیب سنی نسبتاً جوان اعضای شوراهای اسلامی، در جهت‌گیریهای آینده، دو نکته اساسی قابل ذکر است: اول اینکه؛ باید در جهت آموزش این گروه پیشرو و جوان در مسیر ترویج و توسعه روستایی، بیش از پیش سرمایه‌گذاری صورت گیرد. صرف‌گزینشهای اولیه و انتخاب افراد نسبتاً دلخواه، نمی‌تواند یک شورای کارآمد و مؤثر را تشکیل دهد. دوم اینکه؛ نباید محدوده شرایط انتخاب و گزینش، به حدی تنگ باشد که افراد باتجربه و مورد پذیرش مردم از انتخاب شدن و ورود به شوراها، بازداشته شوند.

۶- نظارت و ارزشیابی مستمر از کار شوراها و حمایت و پشتیبانی از انجام مصوبات آنها، در معنی بخشیدن به وجود شورا و در نتیجه جدی گرفتن کار از طرف اعضا و مردم روستا مؤثر خواهد بود.

۷- پایین بودن سطح سواد و تحصیلات روستاییان، انتقال مواد و موضوعات آموزشی مورد نیاز آنها را به طور مکتوب با مشکل مواجه می‌سازد. در چنین شرایطی نقش آموزشهای شفاهی و کلاسی ترویج بوسیله نیروی مرتبط با روستا، بسیار بااهمیت است و لذا باید مورد توجه جدی قرار داشته باشد.

منابع و ماخذ

- ۱- آرون، تولن، "مشارکت مردم"، ده مقاله در باره ترویج کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۸.
- ۲- ارشاد، فرهنگ، "پژوهشی در باره ویژگیهای

اجتماعی - اقتصادی لرکی‌های استان خوزستان"، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۶۷.

۳- اوکلی، پیر و کریستوفر گارفورث، "راهنمای آموزش ترویج"، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۹.

۴- اسدی، علی و مهرداد هرمز، "نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی"، ۱۳۵۵.

۵- بهمن بیگی، محمد، "عرف و عادت در عشایر فارس"، ۱۳۵۶.

۶- بیللی فرانک، "نگرانیهای درباره دموکراسی"، روزنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، اسفند ۱۳۶۶.

۷- جهانپخش، اسماعیل، "بررسی شوراهای اسلامی روستایی و نقش آن در توسعه روستا"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

۸- خسروی، خسرو، "جامعه‌شناسی روستایی ایران"، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۵.

۹- روزه، موکی بلی، "پویایی گروهها، شناخت مسئله و کاربردهای عملی آن"، ترجمه ف. وحید، ۱۳۷۰.

۱۰- طالب، مهدی، "شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران"، ۱۳۶۷.

۱۱- ظریفی منتظر، ابراهیم، "بررسی نتایج حاصله از تشکیل شوراهای اسلامی ..."، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۱۲- فرهادی، مرتضی، "انواع خودیاری و گونه‌های آمیزهای آن"، مجله رشد علوم اجتماعی، سال ۲، پاییز ۱۳۶۹، شماره ۵.

۱۳- گلپریان، رقیه، "ارزشیابی طرحهای مشارکتی در زمینه برنامه‌های عمرانی و ..."، وزارت کشور، ۱۳۵۶.

۱۴- محنی تبریزی، "بیگانگی، مفهوم سازی و گروه بندی توریها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی"، نامه علوم اجتماعی، شماره دوم، ۱۳۷۰.

۱۵- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، "تعاونیهای عشایری و تعاونیهای سنتی منطقه سرود"، ۱۳۶۳.